

## رابطه گرایش‌های فمینیستی با خودشی‌انگاری، درونی‌سازی لاغری ایدئال و هویت جنسی (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار)

ندا نصر<sup>۱</sup>، علی محمد ناعمی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه گرایش‌های فمینیستی با خودشی‌انگاری، درونی‌سازی لاغری ایدئال و هویت جنسی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۸۵۶ نفر دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ بود که با استفاده از جدول مورگان ۳۱۸ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های گرایش‌های فمینیستی برگاد و هاید (۱۹۹۱)، خودشی‌انگاری نل و فردریکسون (۱۹۹۷)، درونی‌سازی لاغری استیک و گراس (۱۹۹۸) و هویت نقش جنسیتی شرتز، لوفر، سیلورا و مک براید (۲۰۰۸) استفاده شد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS<sup>20</sup> و روش‌های آمار توصیفی، همبستگی و رگرسیون تک‌متغیره تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین گرایش‌های فمینیستی با خودشی‌انگاری رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما با درونی‌سازی لاغری ایدئال همبستگی منفی و معنادار و با هویت جنسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، براساس نتایج تحقیق مشخص شد که گرایش‌های فمینیستی توانست حدود ۵٫۴ درصد واریانس درونی‌سازی لاغری ایدئال و ۵٫۶ درصد واریانس هویت جنسی را تبیین کند. بنابراین، افزایش گرایش‌های فمینیستی می‌تواند سبب کاهش درونی‌سازی لاغری ایدئال و افزایش هویت جنسی دانشجویان دختر شود.

### کلیدواژگان

خودشی‌انگاری، درونی‌سازی لاغری ایدئال، فمینیسم، هویت جنسی.

۱. دانشجوی سابق کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار، ایران  
nasrned95@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)  
amnaemi@iaus.ac.ir

## مقدمه و طرح مسئله

موضوع زن به‌منزله نیمی از پیکره جامعه انسانی، به همان اندازه قابل بررسی و تعمق است که انسان شایسته شناخت و بررسی است و هرگونه تحلیل و تعمق در ابعاد وجودی زن در واقع تحلیل حیات انسان به‌شمار می‌رود. فمینیسم سال‌هاست که داعیه‌دار تلاش برای بازیابی حقوق پایمال‌شده زنان و رساندن آنان به وضعیت مطلوب زندگی‌اند. جنبش و نظریه‌ای که گرچه از دامن تحولات خاص اجتماعی، سیاسی حاکم بر جوامع اروپایی و امریکایی در قرن نوزده و بیست سر برآورده بود، پس از چندی داعیه جهان‌شمولی به خود گرفت و شعارها و مطالبات خود را بر کل جهان تسری داد. گرچه بزرگ‌نمایی فمینیست و ارائه چهره‌ای قدرتمند از آن با توجه به رکود و افول نظریات و عملیات فمینیستی دور از واقعیت به نظر می‌رسد، از آنجا که ورود فمینیسم در عرصه جوامع به تغییراتی فرهنگی منجر شده است، بررسی نظریات و گرایش‌های فمینیستی و تأثیر آن بر جامعه ایرانی ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد [۸].

فمینیسم<sup>۱</sup> مباحثه‌ای است که از جنبش‌ها، نظریه‌ها و فلسفه‌های گوناگون تشکیل شده که در ارتباط با تفاوت جنسیتی هستند. موضوعات کلی مورد توجه آن‌ها تبعیض، رفتار قالبی، شی‌انگاری، بیداد و مردسالاری/پدرسالاری هستند. جوهره فمینیسم آن است که حقوق، مزایا، مقام و وظایف نباید بر جنسیت تعیین شوند [۳۷]. استفاده انحصاری از مردان به‌عنوان سوژه و تأکید بر فعالیت‌های مردان بیانگر نامرئی بودن زنان است. زمانی تأثیر مردانگی بر همه امور بیشتر آشکار می‌شود که بر ویژگی‌هایی چون استقلال، عقلانیت، دلیل‌آوری و ارزش‌گذاری آن برای مردان تأکید می‌شود [۳۴].

امروزه پدیده خودشی‌انگاری<sup>۲</sup> به مفهوم ارزیابی دیگران براساس ظاهر فیزیکی، زیبایی و جذابیت جنسی پدیده‌ای است که منبع عمده درد و رنج زنان به‌شمار می‌آید [۱۴]. زنان و دختران براساس معیارهای اجتماعی می‌آموزند که خودشان را بر مبنای ظاهر فیزیکی‌شان به‌عنوان معیاری ارزیابی کنند که دیگران برای قضاوت بر آن‌ها استفاده می‌کنند. بر مبنای این نظریه، برخی از تأثیرات اجتماعی، فرهنگی زنان را به سمت شی‌انگاری سوق می‌دهند. آرمان‌های اجتماعی که به اهمیت ظاهر زنانه توجه می‌کنند و این تمایل که زن به‌عنوان یک شیء در نظر گرفته می‌شود نتایج منفی زیادی به‌همراه دارد [۲۹]. حمایت از زیبایی به‌عنوان فرضیه رایج سبب می‌شود زنانی که زیبایی را به‌عنوان نخستین ارزش اجتماعی خود تصور می‌کنند خودشی‌انگاری بیشتری داشته باشند، از وضعیت فعلی جنسیت حمایت بیشتری کنند و در فعالیت‌های اجتماعی جنسیتی مشارکت کمتر داشته باشند [۲۲]. با دید نقادانه می‌توان گفت که یافتن هویت فمینیستی منجر به گسستن رابطه بین هنجارهای زنانه القا شده از طریق عوامل مختلف اجتماعی و خودشی‌انگاری می‌شود [۴۰].

1. feminism  
2. self-objectification

یکی دیگر از پدیده‌های امروزی که زنان را تحت تأثیر و فشار روانی قرار می‌دهد درونی‌سازی لاغری ایدئال<sup>۱</sup> است، زیرا زنان اغلب با تصویرهای غیرواقعی زن برحسب شکل و اندازه بدن روبه‌رو می‌شوند. وقتی که فرد از نظر شناختی به این آرمان‌های اجتماعی جذابیت می‌پردازد، به‌سوی رفتارهایی که موجب نزدیک‌شدن او به درونی‌سازی لاغری ایدئال می‌شود سوق پیدا می‌کند. درونی‌سازی آرمانی لاغری برای اغلب زنان دسترس‌ناپذیر است، زیرا هنجارهای زیبایی معیارهایی را برای بدن وضع می‌کنند که زنان آرزو می‌کنند آن‌گونه باشند. درحالی‌که تصویر کلیشه‌ای ناهمخوان با طبیعت از زیبایی زن این حقیقت را آشکار کنند که معیار لاغری برای زیبایی اندام زنان کاملاً تصنعی بوده و با واقعیت زندگی طبیعی همخوانی ندارد.

هویت جنسی<sup>۲</sup> به تصویری اطلاق می‌شود که شخص از خود به‌عنوان مرد یا زن دارد و در طول فرایند رشد روانی حاصل می‌شود [۶]. از آنجا که جنسیت مبنای فرهنگی دارد، هویت جنسی نیز همانند آن در فهم فرهنگی (مردانه یا زنانه) ریشه دارد [۳۹]. هویت جنسیتی رشد روانی-جنسی، نقش‌های اجتماعی یادگیری‌شده و ترجیحات جنسی شکل‌یافته را دربرمی‌گیرد [۳۵]. جنسیت هر فرد به‌منزله یکی از منابع بسیار مهم، که باعث ایجاد شناخت فرد از خود می‌شود، مورد اتفاق نظر اکثر اندیشمندان است [۴۱]. از دید فمینیست‌ها، جوامع سلطه جنسیتی خویش را درونی می‌کنند و گسترش می‌دهند و مهم‌ترین عنصر دخیل در آن را کلیشه‌های جنسیتی می‌دانند که در فرایند اجتماعی‌شدن از طریق نهاد (خانواده) آموزش، اشتغال و... تفکرات قالبی را در افراد شکل می‌دهند و زیربنای تمایزات میان دو جنس را فراهم می‌آورند و از این طریق، فرهنگ جانب‌دارانه به‌نفع یک جنس را پایه‌گذاری می‌کنند. به نظر آنان، پیامدهای چنین فرهنگ و الگویی روابط نابرابر قدرت میان دو جنس در حوزه‌های روانی، عاطفی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و جنسیتی است. یافته‌های پژوهش‌گران حاکی از آن است که هویت زنانه می‌تواند سبب بهبود عملکرد روان‌شناختی در زنان شود [۳۸].

امروزه، نظریات فمینیستی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی حضوری برجسته و پررنگ دارند. فعالان جنبش زنان سعی دارند زندگی و روابط اجتماعی مربوط به زنان را از منظر جامعه زنان ترسیم کنند. گذر از سنت به مدرنیته و نوع مواجهه با امواج تجددخواهانه و نحوه تعامل هویت زن ایرانی و چالش‌های مرتبط با جامعه زنان ایران، که در فرهنگ و تاریخ این سرزمین ریشه دارد، در تناظر با نظریه‌های فمینیستی است. با توجه به اینکه جایگاه و هویت زنان ایرانی به‌شدت تحت تأثیر دیدگاه سنتی و مردسالارانه است و به زن نگاهی شیء‌انگارانه دارند، بررسی گرایش‌های فمینیسم و رابطه آن با خودشیء‌انگاری، درونی‌سازی لاغری ایدئال و هویت جنسی در زنان، و به‌خصوص قشر جوان و تحصیل‌کرده که بیشتر از این تفکرات متأثر می‌شوند،

1. thin -ideal internalization

2. gender identity

ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، بیشتر مطالعات در زمینه گرایش‌های فمینیسم و متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش در کشورهای غربی انجام شده و در ایران پژوهش تجربی چندانی صورت نگرفته است. با توجه به گسترش میدان فعالیت رسانه‌ها در جهان و ایران و اهمیت جایگاه زنان در جامعه ضرورت دارد که رابطه گرایش‌های فمینیسم با خودشی‌انگاری، درونی‌سازی لاغری ایدئال و هویت جنسی در زنان مطالعه شود. دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار نیز از تأثیر گرایش‌های فمینیستی به دور مانده و تحت تأثیر رسانه‌ها قرار گرفته و می‌گیرند. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد بررسی رابطه بین گرایش‌های فمینیستی با خودشی‌انگاری، درونی‌سازی لاغری ایدئال و هویت جنسی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار است. فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. بین گرایش‌های فمینیستی با خودشی‌انگاری، درونی‌سازی لاغری ایدئال و هویت جنسی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار رابطه معنادار وجود دارد؛
۲. گرایش‌های فمینیستی پیش‌بینی‌کننده خودشی‌انگاری در دانشجویان دختر است؛
۳. گرایش‌های فمینیستی پیش‌بینی‌کننده درونی‌سازی لاغری ایدئال در دانشجویان دختر است؛
۴. گرایش‌های فمینیستی پیش‌بینی‌کننده هویت جنسی در دانشجویان دختر است.

### پیشینه تحقیق

علی‌وردی‌نیا، رضی و آیینی در پژوهش خود به منظور تبیین خشونت علیه زنان به این نتیجه رسیدند که فمینیسم رادیکال سبب پایبندی زنان به نقش‌های جنسیتی می‌شود و این امر مهم‌ترین عامل تبیین‌کننده خشونت مردان علیه زنان است [۱۲]. ناعمی در پژوهش خود دریافت که بین متغیرهای خودشی‌انگاری با تاب‌آوری و خوددلسوزی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و مؤلفه‌های خودشی‌انگاری (شرم بدنی، نظارت بدنی و کنترل ظاهر) می‌توانند خوددلسوزی را پیش‌بینی کنند. به عبارت دیگر، کاهش خودشی‌انگاری می‌تواند سبب افزایش تاب‌آوری و خوددلسوزی دانشجویان دختر شود [۱۴]. مطالعات تجربی و آینده‌نگر نشان داده است که میزان رضایت بدنی و اعتماد به نفس زنان پس از مشاهده تصاویر مجلات و تبلیغات تلویزیونی، که به معرفی و توصیف لاغری ایدئال می‌پردازند، کاهش می‌یابد [۲۶]. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که درونی‌سازی لاغری ایدئال رابطه مثبتی با استفاده از فشار رسانه‌های جمعی، خانوادگی، دوستان و همکلاسی‌ها دارد [۴۶]. یافته‌های وندن بوش<sup>۱</sup> و همکاران نشان داد که برنامه‌های جنسی تلویزیون سبب افزایش خودشی‌انگاری در زنان می‌شود [۴۸]. یافته‌های برینکمن، خانا، ادنر و روزن<sup>۲</sup> حاکی از آن است که تطابق با هنجارهای

1. Vandenbosch  
2. Brinkman, Khana, Edner, & Rosen

زنانه می‌تواند نظارت و شرم بدنی را در زنان پیش‌بینی کند؛ اما میزان گرایش‌های فمینیستی فقط قادر به پیش‌بینی نگرش‌های مربوط به کنترل ظاهری در زنان است [۲۰]. کنسوال، کرتن، بزینی و مارتز<sup>۱</sup> براساس نتایج پژوهشی خود اعلام کردند که می‌توان از ایدئولوژی فمینیستی به‌عنوان عاملی برای پیش‌بینی وجود تصویر ذهنی مثبت استفاده کرد [۳۳]. مارین و لوئیس<sup>۲</sup> در تحقیقی کیفی فراملیتی درباره پذیرش فمینیسم و عملی کردن عقاید آن بر دانشجویان زن در دانشگاه‌های بریتانیا و امریکا به این نتیجه رسیدند که فمینیسم عقل سلیم را به پیروان خود ارائه می‌دهد و شناختی تدریجی را به وجود می‌آورد [۳۷]. نتایج پژوهش فلتمن و سیزماینسکی<sup>۳</sup> نشان داد که زنان فمینیست دیدگاه خودشی‌انگاری کمتری به خود دارند و گرایش‌های فمینیستی در این زمینه نقش حمایت‌کننده را بازی می‌کند [۲۷]. یافته‌های سیگل و کالگرو<sup>۴</sup> حاکی از آن است که تأکید زیادتر بر لاغری، سرمایه‌گذاری برای ظاهر، داشتن روابط رمانتیک و اهمیت کمتر قائل شدن برای زندگی درون‌خانوادگی سبب خودشی‌انگاری در زنان می‌شود. همچنین، این مطالعه نشان داد که بین تأیید هنجارهای زنانه، به‌خصوص هنجارهای زیبایی و رمانتیک با خودشی‌انگاری، حتی در میان زنان فمینیست رابطه مثبت و معناداری وجود دارد [۴۵].

### مبانی نظری تحقیق

فمینیسم یا زن‌گرایی، حرکت و جنبشی اجتماعی است که در عرصه‌های اجتماعی، اعتقادات و باورهای رایج دینی و فرهنگی جامعه را به چالش کشیده است [۳]. فرهنگ لغت انگلیسی وبستر<sup>۵</sup> فمینیسم را این‌گونه تعریف می‌کند: طرز تفکری که حقوق اجتماعی و سیاسی زنان را مساوی می‌داند و نهضتی که برای تحقق چنین آرمانی تلاش می‌کند [۱]. برخی اندیشمندان پیشنهاد تعریفی دقیق و همه‌پسند از فمینیسم را نشدنی یا بسیار دشوار می‌دانند و بر این باورند که ویژگی پاره‌بودن اندیشه‌های گوناگون فمینیستی و دگرگونی آن‌ها طی زمان، گردآوردن همه ابعاد آن را در تعریفی جامع و مانع ناممکن کرده است؛ چنان‌که برخی فمینیسم را در همراهی با جنبش‌های اجتماعی جست‌وجو می‌کنند؛ درحالی‌که دیگران آن را بدون چنین جنبش‌هایی هم گرایش فکری شایان توجهی می‌دانند [۲۵]. شاید بتوان برای بررسی بهتر فمینیسم طیفی مفهومی را در نظر گرفت که در یک‌سو از چشم‌انداز فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به فمینیسم نگریده می‌شود و مبارزاتی که در جهت کسب حق رأی زنان، حقوق برابر با مردان و بهبود

1. Kinsual, Curtin, Bazzini, & Martz
2. Marine & Lewis
3. Feltman, & Szymanski
4. Siegel, J.A. Calogero,
5. Webster

شرایط کاری زنان انجام گرفته است اهمیت می‌یابد. در سوی دیگر طیف می‌توان روایت‌های نظری‌تر و بنیادی‌تر از اندیشه فمینیستی را دنبال کرد که حتی علم مدرن را هم به نقد می‌کشد؛ علمی که از دوران روشنگری و به‌ویژه در اندیشه یافت‌باوری، جست‌وجوی حقیقت ناب و کنار گذاشتن ارزش‌ها را تبلیغ می‌کند. در این دیدگاه‌ها بیان می‌شود که در بررسی‌های علمی تجربه زندگی به تجربه مردانه فرو کاسته شده است و زنان نادیده گرفته شده‌اند. از این‌روست که زنان هم براساس روایتی سوگیری‌شده و مردانه از انسان بررسی می‌شوند و این سرانجامی جز فرادستی مردان و سرکوب زنان ندارد. فراتر از این، برخی [۳۱] بر این باورند که این مردگرایی آن‌چنان در تاروپود اندیشه فلسفی غربی از متافیزیک ارسطویی گرفته تا دکارت و هابز و روسو<sup>۱</sup> و نظریه‌های جدیدتر اقتصاد سیاسی مارکسیستی و حتی نظریه عدالت رالز<sup>۲</sup>، رسوخ کرده است که گریز از آن بسی دشوار می‌نماید [۲].

تاریخ فمینیسم از سپیده‌دم آگاهی بشری آغاز شده و همیشه نوعی چشم‌انداز فمینیسمی مطرح بوده است. گرچه زنان تقریباً همیشه و همه‌جا تحت انقیاد بوده‌اند، زنانی نیز بوده‌اند که این موقعیت را تشخیص داده و به صورتی (گاه فردی گاه جمعی، زمانی آگاهانه و زمانی دیگر ناآگاهانه) اعتراض کرده‌اند. شاید دلیل آن گرایش طبیعی انسان به «عدالت» و «عدم تبعیض» باشد. هرچند واژه فمینیسم خاستگاهی نو دارد، عقاید مربوط به این جنبش در بسیاری از فرهنگ‌ها بیان شده و می‌توان آن را تا تمدن‌های باستانی یونان و چین ردیابی کرد. فمینیسم از قرن هجدهم همراه با اندیشمندانی مانند کرافت، گیلمن<sup>۳</sup> و پس از آن دوپوار<sup>۴</sup> خود را به جامعه اندیشه معرفی کرده است و در گذر سال‌ها فراز و فرودهای بسیاری داشته است. برای پیگیری بهتر سیر تاریخی اندیشه و فعالیت‌های اجتماعی و فکری فمینیسم، استعاره «موج» به کار گرفته شده است که به فراز و فرودهای این اندیشه و اقبال اجتماعی آن اشاره دارد. این استعاره در دهه ۱۹۶۰ هم‌زمان با خیزش دوباره جنبش‌های فمینیستی برای بررسی تمایز میان رویدادها و اندیشه غالب آن روزگار با دیدگاه‌های پیشین به کار گرفته شد. موج نخست در سال‌های میانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پدید آمد و آغاز فعالیت‌های جدی فمینیسم به شمار می‌آمد. موج دوم که اندیشه‌های دهه ۱۹۶۰ تا سال‌های دهه ۱۹۹۰ را دربرمی‌گیرد و موج سوم که از دهه ۱۹۹۰ تاکنون ادامه داشته است و به‌نوعی بازسازی اندیشه‌های پیشین به‌شمار می‌آید و تازه‌ترین روایت از اندیشه فمینیسم، پسافمینیسم و فمینیست پسامدرن است [۲].

نظریه‌های فمینیستی برآن‌اند تا از چشم‌انداز یک زن، نظام فکری گسترده و عامی را درباره ویژگی‌های بنیادی زندگی اجتماعی ارائه کنند و الگویی را برای توصیف و تبیین زندگی

---

1. Descartes & Hobbes & Rousseau  
 2. Rawls  
 3. Craft, Gilman  
 4. Duobar

اجتماعی زنان تدارک ببینند. ریتزر<sup>۱</sup> بر مبنای پاسخ‌هایی که به پرسش چگونگی تحول وضعیت زنان داده می‌شود، نظریه‌های بنیادی فمینیستی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. نظریه‌های تفاوت جنسیتی: این نظریه‌ها بر این باورند که جایگاه و تجربه زنان در بیشتر موقعیت‌ها با جایگاه و تجربه مردان در همان موقعیت تفاوت دارد. مضمون اصلی این نظریه‌ها این است که زنان از ارزش‌ها، داورى ارزشی، انگیزه‌ها، سود، خلاقیت ادبی، احساس هویت، فراگرد آگاهی و ادراک در ساخت واقعیت اجتماعی بینش و برداشت متفاوتی از مردان دارند؛

۲. نظریه‌های نابرابری جنسیتی: بر اساس این نظریه‌ها، جایگاه زنان در بیشتر موقعیت‌ها نه تنها متفاوت با جایگاه مردان، که از آن کمتر و با آن نابرابر است و این نابرابری‌ها از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد، نه از تفاوت زیستی و شخصیتی؛

۳. نظریه‌های ستمگری جنسیتی: در این نظریه‌ها با مفروض انگاشتن ساختار پدرسالاری در جامعه، موقعیت زنان بر حسب رابطه قدرت مستقیم میان مردان و زنان به گونه‌ای تبیین می‌شود که زنان در قید و بند، تابعیت، سوءاستفاده و بدرفتاری مردان قرار دارند [۱۰].

نظریه شی‌انگاری، که نخستین بار به وسیله فردریکسون و رابرتز<sup>۲</sup> مطرح شد، تبیینی از نارضایتی تصویر بدنی و اهمیت ظاهر برای زنان ارائه کرده است. آن‌ها مدعی هستند که زنان و دختران بر اساس معیارهای اجتماعی یاد می‌گیرند خودشان را بر مبنای ظاهر فیزیکی‌شان به عنوان معیار قضاوت دیگران ارزیابی کنند. بر اساس این نظریه، برخی از عوامل اجتماعی فرهنگی زنان را به سمت شی‌انگاری سوق می‌دهند [۲۹]. خودشی‌انگاری جداسازی بدن و عملکرد جنسی یک شخص از هویتش را در برمی‌گیرد که موجب تقلیل وی به یک شیء و کالا می‌شود [۹] بر اساس نظریه خودشی‌انگاری فردریکسون و رابرتز، فرهنگ غرب دختران و زنان را چنان اجتماعی می‌کند که خودشان را به عنوان اشیایی ببینند که باید به طور ویژه بر اساس ظاهر و قیافه و نه شخصیتشان ارزیابی شوند، به دلیل اینکه بدن‌هایشان در معرض نگاه‌های خیره و ارزیابی دیگران، به ویژه مردان، قرار دارد. این امر به اشتغال ذهنی بیش از حد زنان به قیافه ظاهری و بدنشان منجر می‌شود که خودشی‌انگاری نامیده می‌شود [۲۴]. زنانی که دچار خودشی‌انگاری می‌شوند، خودآگاهانه نمایش می‌دهند که ویژگی اصلی‌شان اشتغال دائم به قیافه و بدن است. این فرایند با عنوان پایش یا نظارت بدن<sup>۳</sup> نامیده می‌شود و شاخص اصلی خودشی‌انگاری است. پایش بدن می‌تواند به شرم از بدن<sup>۴</sup> منجر شود، زیرا افرادی که دائم به پایش و وارسی بدن خویش می‌پردازند، احتمالاً به این نکته پی می‌برند که بین بدن‌های آنان و بدن ایدئال تفاوت شدیدی وجود دارد که این امر به پیدایش شرم از بدن منجر می‌شود [۳۰].

---

1. Ritzer  
2. Fredrickson & Roberts  
3. body surveillance  
4. body shame

خودشیءانگاری زنان از طریق رسانه‌های مختلف از جمله تلویزیون، موسیقی، فیلم، شعر، مجله، رسانه‌های ورزشی، بازی‌های ویدئویی، اینترنت و تبلیغات معرفی می‌شود. در این رسانه‌ها، به جای آنکه زنان را انسان‌های فعال و مؤثر نشان دهند، آن‌ها را به‌عنوان کالای جنسی و تزئینی که حالت انفعالی دارند معرفی می‌کنند [۱۶]. ایدئولوژی فمینیستی تأکید دارد که ظاهر جسمی یک زن نباید تعیین‌کننده ارزش شخصی وی باشد [۳۰].

درونی‌سازی لاغری ایدئال به شناخت و اشتغال فکری افراد با ایدئال‌های تعریف‌شده اجتماع برای لاغری اشاره دارد [۴۵]. بسیاری از نظریه‌پردازان افزایش اختلال‌های تغذیه در سال‌های اخیر را ناشی از تأکید بر لاغری و ارزنده‌سازی آن در جوامع غربی می‌دانند. استانداردهای غربی در مورد جاذبه زنانه در خلال تاریخ تغییر کرده‌اند و در حال حاضر برای هیکل‌های باریک و ظریف مزیت قائل‌اند [۴]. تصاویر رسانه‌ها از قدرت زیادی برای شکل‌دادن ظاهر بدن براساس استانداردهای زیبایی تعیین‌شده برخوردارند و بیشتر افراد، به‌ویژه زنان، خود را با این استانداردها مقایسه می‌کنند. زیبایی آرمانی برای زنان شامل بدنی لاغر و باریک است که به‌صورت فزاینده و مداوم از طریق رسانه‌ها تبلیغ و معرفی می‌شوند [۴۲]. اغلب افراد معتقدند که ایدئال‌گرایی پیامد بازاریابی صنعت مد در جوامع صنعتی در قرن بیستم است [۲۳]. لاغری ایدئال رایج در جوامع غربی عامل قوی در افزایش بی‌نظمی غذایی زنان است. همچنین هنجارهای موجود نیز لاغری را ترویج می‌کند و بیشتر اوقات بسیاری زنان آن را درونی و تلاش می‌کنند با هنجارهای موجود درخصوص شکل بدن هم‌نوا شوند که سبب بی‌نظمی غذایی می‌شود [۱۹].

هویت جنسی یعنی مفهومی که شخص از خود به‌عنوان مرد یا زن دارد و در طول فرایند رشد روانی حاصل می‌شود. همه جوامع از اعضای خود درخصوص رفتارها، نگرش‌ها، علائق، نقش‌ها و فعالیت‌های آن‌ها انتظاراتی دارند که این انتظارات در پیرامون تفاوت‌های جنسیتی افراد با یکدیگر ارتباط می‌یابند. این انتظارات فرهنگی از مردان و زنان تصورات قالبی (کلیشه‌ای) را تشکیل می‌دهد که شیوه عملکرد زنان و مردان را از پیش تعیین می‌کنند. بر این اساس، زنان یاد می‌گیرند مشارکت‌جو باشند، درحالی‌که مردان رقابت‌کردن، قدرت‌خواهی و سلطه را می‌آموزند. بدین ترتیب، تفاوت‌هایی جنسیتی معمولاً با قالب‌های (کلیشه‌ای) جنسیتی تقویت می‌شوند [۱۷]. در سراسر تاریخ، مرد «هنجار» بوده است و زن نسبت به این هنجار متفاوت یا فرع در نظر گرفته شده است. در الگوی مردمداری، مرد یک شخص «مهم» و نماینده اصلی نوع تلقی می‌شود و زن گونه‌ای دیگر از مرد یا جنس دوم است، طبق این عقیده، زنان در جهانی که برای مردها ساخته شده است زندگی می‌کنند [۱۸]. فمینیست‌ها بر این عقیده‌اند که کلیه نظریه‌های مربوط به جنسیت زیربنایی کاملاً اجتماعی دارد که روابط متقابل اجتماعی در شکل‌گیری آن و نقش‌های اختصاصی هر یک از دو جنس نقش اصلی و اساسی برعهده دارند. اساس نظریات فمینیستی مخالفت با نابرابری‌ها و تبعیض‌های میان زن و مرد است و تا آنجا



پیش می‌روند که دست به انکار هویت جنسیتی متمایزکننده زن و مرد می‌زنند. سیمون دوبوار<sup>۱</sup>، یکی از متفکران مکتب فمینیست در قرن حاضر، بیان می‌کند آدمی زن زاده نمی‌شود؛ بلکه زن می‌شود. او بر این نکته تأکید دارد که آدمی ممکن است یک مؤنث از نژاد انسان زاده شود، اما این تمدن است که زن می‌آفریند و رفتار زنانه را از پیش مشخص می‌کند [۱۳]. فمینیست‌ها با تحلیل جنبه‌های فرهنگ کوشیده‌اند مناسباتی را که از طریق آن‌ها ارزش‌ها و هنجارهای مردسالارانه در جامعه بازتولید می‌شود و تداوم می‌یابد تعیین کنند. از نظر آنان، زنان و مردان با درافتادن در قطب‌بندی فرهنگی عملاً در برابر یکدیگر موقعیت فرودست و فرادست می‌یابند.

## روش تحقیق

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است که در آن رابطه بین گرایش‌های فمینیستی با خودشیء‌انگاری، درونی‌سازی لاغری ایدئال و هویت جنسی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار مطالعه شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل همه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ به تعداد ۱۸۵۶ نفر (انسان ۱۱۳۱ نفر، فنی مهندسی ۴۵۷ نفر و علوم پزشکی ۲۶۸ نفر) بود. حجم نمونه براساس جدول مورگان به تعداد ۳۱۸ نفر (انسانی ۱۹۳ نفر، فنی مهندسی ۷۹ نفر و علوم پزشکی ۴۶ نفر) از دانشجویان دختر دانشگاه و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا با توجه به تنوع رشته‌ها، رشته‌های تحصیلی متجانس در چهار گروه علوم انسانی، فنی مهندسی، کشاورزی و علوم پزشکی طبقه‌بندی شدند. سپس، از هر گروه و رشته به نسبت فراوانی در جامعه آماری، افراد نمونه به صورت تصادفی انتخاب شد. برای گردآوری اطلاعات موردنیاز در این پژوهش از پرسش‌نامه‌های ذیل استفاده شد.

برای سنجش افکار و گرایش‌های فمینیستی از پرسش‌نامه گرایش‌های فمینیستی برگاد و هاید<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) استفاده شد. این آزمون شامل ۴۸ سؤال است و با توجه به طولانی‌بودن آزمون و اینکه سازندگان تعداد ۹ سؤال را فرعی دانسته و به آزماینده اجازه حذف آن را داده‌اند، در پژوهش حاضر تعداد ۳۹ سؤال به آزمودنی‌ها داده شد. نمره‌گذاری به صورت طیف لیکرت است که برای گزینه‌های کاملاً مخالفم نمره (۱) مخالفم نمره (۲) نظری ندارم نمره (۳) موافقم نمره (۴) کاملاً موافقم نمره (۵) در نظر گرفته می‌شود. دامنه نمره‌ها بین ۳۹ تا ۱۹۵ است. نمره ۳۹ کمترین میزان گرایش‌های فمینیستی و نمره ۱۹۵ بالاترین میزان گرایش‌های فمینیستی را نشان می‌دهند. روایی پرسش‌نامه در تحقیق مقایسه‌ای که سازندگان آن با آزمون راش انجام دادند مناسب تشخیص داده شد و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ برآورد شده است [۱۷].

1. Simon de Beauvar
2. Bargad & Hyde

پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ برآورد شد. به منظور سنجش سازه خودشیءانگاری از پرسش‌نامه خودشیءانگاری نل و فردریکسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) استفاده شد. این مقیاس ۱۰ گویه دارد که ۵ مؤلفه مرتبط با نگرش‌های مبتنی بر ظاهر بوده (جذابیت جنسی، عضلات سفت، وزن، جذابیت فیزیکی و اندازه اعضای بدن) و ۵ مؤلفه دیگر با خصوصیات فیزیکی مرتبطاند (سطح انرژی، سلامتی، قدرت، تناسب فیزیکی و هماهنگی فیزیکی). نمره‌ها به وسیله اختصاص ارزش به درجه بندی محاسبه می‌شوند که بیشترین آن‌ها نمره ۱۰ و کمترین آن‌ها نمره ۱ دریافت می‌کند و در نهایت ارزش‌های مبتنی بر صلاحیت از ارزش‌های مبتنی بر ظاهر کاسته و نمره‌ای بین ۲۵- و ۲۵ حاصل می‌شود. نمره‌های بالا میزان شیءانگاری بیشتر را نشان می‌دهد؛ در حالی که نمره‌های پایین‌تر نمایانگر افرادی است که بدن خود را براساس صلاحیت ارزیابی می‌کنند. روایی پرسش‌نامه در آزمون بارتلت با مقدار کای دو ۶۵۶/۵۶ همبسته بودن سؤالات را نشان داد [۷] و پایایی پرسش‌نامه به روش تصنیف ۰/۸۰ برآورد شده است [۷].

برای بررسی سازه درونی سازی لاغری ایدئال از مقیاس تجدیدنظرشده کلیشه‌سازی بدن ایدئال استیک و شاو<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) استفاده شد. در این مقیاس، از پاسخ‌دهندگان درخواست می‌شود تا میزان توافق را با عباراتی متمرکز بر آنچه زنان جذاب به آن شبیه‌اند (مثلاً، زنان لاغرتر جذاب‌ترند)، در یک مقیاس درجه بندی پنج نقطه‌ای نشان دهند. روایی پرسش‌نامه در آزمون بارتلت با مقدار کای دو ۴۳۰/۴۴ همبستگی سؤالات را نشان داد و پایایی آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ گزارش شده است [۷]. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد.

از مقیاس هویت نقش جنسیتی شرترز، لوفر، سیلورا، و براد مک براید<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) برای سنجش میزان هویت نقش جنسی استفاده شد. این مقیاس ۱۶ گویه و ۲ خرده‌مقیاس خصوصیات مردانه (۸ گویه) و خصوصیات زنانه (۸ گویه) دارد؛ و برای هر گویه، طیف درجه بندی هفت‌گزینه‌ای (هرگز تا همیشه) در نظر گرفته شده که از هرگز (نمره ۱) تا همیشه (نمره ۷) نمره‌گذاری می‌شود. پایایی آزمون از سوی سازندگان آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ برآورد شده است [۴۴]. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ برآورد شد [۸].

داده‌های به دست آمده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون تک‌متغیره با کمک نرم‌افزار SPSS<sup>20</sup> تجزیه و تحلیل شد.

1. Noll & Fredrickson
2. Stice & Shaw
3. Schertzer, Laufer, Silvera, & Brad McBride

## یافته‌های پژوهش

براساس روش‌های آمار توصیفی ۶۴٫۵ درصد دانشجویان مجرد، ۳۴٫۶ درصد متأهل و ۳ درصد مطلقه بودند. حدود ۶۸٫۵ درصد آزمودنی‌ها در محدوده سنی ۱۸-۲۳ سال، ۱۸٫۳ درصد در محدوده ۲۴-۳۰ سال و ۱۳٫۲ درصد بالاتر از ۳۱ سال قرار داشتند. همچنین، ۶۰٫۷ درصد افراد نمونه در گروه انسانی، ۱۴٫۵ درصد در گروه علوم پزشکی و ۲۴٫۸ درصد در گروه فنی-مهندسی حضور داشتند. سایر یافته‌های توصیفی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمره دانشجویان در پرسش‌نامه‌های گرایش‌های فمینیستی، خودشی‌انگاری، درونی‌سازی لاغری ایدئال و هویت جنسی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره	حداکثر نمره
گرایش‌های فمینیستی	۱۳۰٫۲۴	۱۳٫۱۲	۶۳	۱۸۵
خودشی‌انگاری	-۲٫۵۷	۱۰٫۲۷	-۲۵	۱۹
درونی‌سازی لاغری ایدئال	-۲۱٫۲۵	۴٫۵۹	-۶	۳۰
هویت جنسی	۷۹٫۷۵	۱۱٫۱۲	۴۸	۱۰۴

مطابق جدول ۱، میانگین گرایش‌های فمینیستی و هویت جنسی بالاتر از حد متوسط و میانگین نمره خودشی‌انگاری و درونی‌سازی لاغری ایدئال کمتر از حد متوسط است. به نظر می‌رسد بالابودن نمره هویت جنسی و پایین بودن نمره‌های خودشی‌انگاری و درونی‌سازی لاغری ایدئال از حد متوسط تحت تأثیر گرایش‌های فمینیستی واقع شده باشد. سایر نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریکس همبستگی گرایش‌های فمینیستی با خودشی‌انگاری، درونی‌سازی لاغری ایدئال و هویت جنسی

متغیر	گرایش‌های فمینیستی	خودشی‌انگاری	درونی‌سازی لاغری ایدئال	هویت جنسی
گرایش‌های فمینیستی	۱			
خودشی‌انگاری	-۰٫۰۷۳	۱		
درونی‌سازی لاغری ایدئال	-۰٫۲۳**	۰٫۰۷۴	۱	
هویت جنسی	**	-۰٫۰۳۷	-۰٫۱۵**	۱

\*\*P < ۰٫۰۱

مطابق جدول ۲ بین گرایش‌های فمینیستی با درونی‌سازی لاغری ایدئال رابطه منفی و معناداری وجود دارد، ولی با خودشی‌انگاری رابطه معناداری دیده نمی‌شود. همچنین، بین گرایش‌های فمینیستی و هویت جنسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بین سطوح بالای گرایش‌های فمینیستی با سطوح پایین درونی‌سازی لاغری ایدئال و سطوح بالای هویت جنسی ارتباط وجود دارد (P < ۰٫۰۵).

به منظور بررسی اینکه چه مقدار از پراکندگی لاغری ایدئال به وسیله متغیر گرایش‌های فمنیستی تبیین می‌شود، از تحلیل رگرسیون تک‌متغیره استفاده شد. بدین منظور، متغیر گرایش‌های فمنیستی به‌عنوان متغیر پیش‌بین و متغیر لاغری ایدئال به‌عنوان متغیر ملاک وارد مدل رگرسیونی شد.

مطابق جدول ۳، مقدار ضریب تعیین (۰/۰۵۴) حاکی از آن بود که متغیر پیش‌بین ۵/۴ درصد از واریانس لاغری ایدئال را تبیین می‌کنند. نسبت F هم نشان می‌دهد که مدل رگرسیون معنادار است ( $P < ۰/۰۵$ ). همچنین، نتایج ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد که مقدار T حاصل از گرایش‌های فمنیستی معنادار است؛ به این معنا که متغیر ذکرشده می‌تواند به‌طور معناداری میزان لاغری ایدئال را پیش‌بینی کند ( $P < ۰/۰۵$ ).

جدول ۳. نتایج رگرسیون تک‌متغیره برای پیش‌بینی لاغری ایدئال براساس گرایش‌های فمنیستی

متغیرها	R	R <sup>2</sup>	F	سطح معناداری	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	T	سطح معناداری
ثابت					۱۰/۶۱		۴/۲۳	۰/۰۰۰
گرایش‌های فمنیستی	-۰/۲۳	۰/۰۵۴	۱۸/۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۸۲		۴/۲۷	۰/۰۰۰

به منظور بررسی اینکه چه مقدار از پراکندگی هویت جنسی به وسیله متغیر گرایش‌های فمنیستی تبیین می‌شود، از تحلیل رگرسیون تک‌متغیره استفاده شد. بدین منظور، متغیر گرایش‌های فمنیستی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و متغیر پراکندگی هویت جنسی به‌عنوان متغیر ملاک وارد مدل رگرسیونی شد.

مطابق جدول ۴، مقدار ضریب تعیین (۰/۰۵۶) حاکی از آن بود که متغیر پیش‌بین ۵/۶ درصد از واریانس هویت جنسی را تبیین می‌کنند. نسبت F هم نشان می‌دهد که مدل رگرسیون معنادار است ( $P < ۰/۰۵$ ). همچنین، نتایج ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد که مقدار T حاصل از گرایش‌های فمنیستی معنادار است؛ به این معنا که متغیر ذکرشده می‌تواند به‌طور معناداری میزان واریانس هویت جنسی را پیش‌بینی کند ( $P < ۰/۰۵$ ).

جدول ۴. نتایج رگرسیون تک‌متغیره برای پیش‌بینی هویت جنسی براساس گرایش‌های فمنیستی

متغیرها	R	R <sup>2</sup>	F	سطح معناداری	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	T	سطح معناداری
ثابت					۵۳/۵۰		۸/۸۲	۰/۰۰۰
گرایش‌های فمنیستی	-۰/۲۴	۰/۰۵۶	۱۸/۹	۰/۰۰۰	۰/۲۰		۴/۳۵	۰/۰۰۰

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه گرایش‌های فمینیستی با خودشی‌انگاری، درونی‌سازی لاغری ایدئال و هویت جنسی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار انجام شد. نتایج ضریب همبستگی نشان داد که بین گرایش‌های فمینیستی با خودشی‌انگاری رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته با نظریه فردریکسون و رابرتز [۲۹] و یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده همخوانی دارد [۲۷؛ ۴۵]. گرچه گرایش‌های فمینیستی با خودشی‌انگاری در این پژوهش ارتباط معناداری نشان نداد، همبستگی منفی و ضعیف آن گویای این است که گرایش‌های فمینیستی از طریق افزایش آگاهی نسبت به رفتارهای زنانه درست سبب شده است که از بروز خودشی‌انگاری در دانشجویان دختر جلوگیری به عمل آورد. در ارتباط با این یافته می‌توان گفت که گرایش‌های فمینیستی سبب افزایش آگاهی زنان از هنجارهای صحیح زنانه می‌شود و این امر می‌تواند فشارهای ادراک‌شده رسانه‌ها را کاهش دهد و به جای اینکه تحت تأثیر تبلیغات به مسائل لاغری، وضع ظاهری و نظارت افراطی بر بدن خود تأکید کنند، به هنجارهای زنانه توجه کنند و در نتیجه از خودشی‌انگاری و آثار آن مصون بمانند. در این رابطه، کالگرو و همکاران مدعی هستند زانی که از ایدئولوژی‌های جنسیتی و نابرابری جنسیتی در جامعه رنج می‌برند، بیشتر دچار خودشی‌انگاری و شرم بدنی می‌شوند. همچنین، هنجارهای زنانه مرتبط با لاغری و ظاهر بدن باعث نفوس پایین رابطه دارد؛ درحالی‌که تقویت دوستی و توجه به خود و رفتارهای مناسب زنانه موجب افزایش عزت‌نفس می‌شود [۲۱]. گرایش‌های فمینیسم سبب می‌شود زنان به جای توجه به ظاهر بدن و خودنظارتی، که از ویژگی‌های خودشی‌انگاری است، بر تمایلات، سلامت، پیشرفت و شایستگی خود تمرکز کنند و با داشتن تغذیه مناسب، رفتار جنسی سالم، پرهیز از اعمال جراحی زیبایی، بهبود عملکرد ذهنی (ریاضی و استدلال)، فعالیت‌های ورزشی، کاهش اضطراب و افسردگی با خودشی‌انگاری مقابله کنند.

درخصوص رابطه گرایش‌های فمینیستی با درونی‌سازی لاغری ایدئال نتایج ضریب همبستگی نشان داد که بین گرایش‌های فمینیستی با درونی‌سازی لاغری ایدئال رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که گرایش‌های فمینیستی، ۵/۴ درصد واریانس درونی‌سازی لاغری ایدئال را تبیین می‌کند. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده همخوانی دارد [۲۰؛ ۲۶؛ ۴۶]. یکی از عوامل مهمی که موجب افزایش نارضایتی از بدن در زنان می‌شود، استانداردهای زیبایی است که از طریق رسانه‌های تبلیغی-تجاری مد و زیبایی معرفی می‌شود [۴۸]. فرهنگ رسانه‌ای همواره تلاش می‌کند با ایجاد شرایطی افکار و اعمال زنان را در ارتباط با تصویر بدنشان از مسیر طبیعی منحرف کند [۱۵]. سازه‌های رسانه‌ای چنین فرهنگی، زنان جوان و دختران قرن بیست‌ویکم را احاطه کرده و بر آن‌ها فشار فوق‌العاده‌ای وارد می‌کند تا ظاهر بدن خود را آن‌گونه بیارایند که برای مردان جذاب و دوست‌داشتنی به نظر برسند. یکی از

معیارهای زیبایی آرمانی برای زنان داشتن بدنی لاغر است که به صورت فزاینده و مداوم از طریق رسانه‌ها تبلیغ و معرفی می‌شوند [۲۸]. این تبلیغات، کمتر به زندگی واقعی و توانایی‌های افراد توجه دارند [۱۰]. بررسی‌ها حاکی از آن است زنانی که زیبایی (لاغری ایدئال) را به‌عنوان ارزش اصلی در جامعه در نظر دارند، از خودشیء‌انگاری بیشتری رنج می‌برند و فعالیت‌های اجتماعی کمتری از خود نشان می‌دهند [۲۲]. کش نیز اظهار می‌دارد دختران و زنان جوان از طریق درونی‌سازی استانداردهای ایدئال لاغری و خودشیء‌انگاری، ناخشنودی از بدن را برای خود فراهم می‌کنند [۲۲]. با توجه به اینکه امکان دست‌یابی به زیبایی ایدئال اجتماعی برای افراد وجود ندارد، این ناکامی به کاهش قدردانی و ناخشنودی از بدن منجر می‌شود و می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلالات روانی شود. گرایش‌های فمینیستی با آگاهی‌بخشیدن درست به زنان و دختران می‌تواند زمینه کاهش گرایش به لاغری ایدئال را فراهم و از سلامت روانی آنان محافظت کند. زنانی که هنجارهای زنانه را در جامعه به‌درستی درک کنند با افزایش عزت‌نفس و پاک‌دامنی بر توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود در زمینه‌های مختلف، رسالت اساسی خود را برعهده می‌گیرند و به‌عنوان انسانی مؤثر و کارآمد رفتار خواهند کرد.

علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که گرایش‌های فمینیستی با هویت جنسی دانشجویان دختر رابطه مثبت و معناداری دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که گرایش‌های فمینیستی می‌تواند ۵/۶ درصد واریانس هویت جنسی را تبیین کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های انجام‌شده همخوانی دارد [۱۴؛ ۳۳]. در تبیین این یافته می‌توان گفت که زن‌بودن به لحاظ ذاتی مشکل‌ساز نیست، ارتباط بین جنبه‌های خاصی از نقش جنسیتی زنانه با بهزیستی روان‌شناختی زنان متفاوت است؛ مثلاً، در نمونه‌ای از دانشجویان کارشناسی دختر امریکایی مشخص شد که هنجارهای زنانه با لاغری، وضعیت ظاهر بدن و روابط عاشقانه ارتباط مثبت دارد، ولی حیا و پاک‌دامنی با مراقبت از کودکان و عدم اختلال خوردن ارتباط مثبت دارد [۳۶] و در نمونه‌ای بزرگ‌تر از دانشجویان دختر مقطع کارشناسی در غرب امریکا، هنجارهای زنانه مرتبط با لاغری، وضع ظاهری و روابط رمانتیک با مشکلاتی چون نوشیدن مشروبات الکلی ارتباط مثبت داشت؛ درحالی‌که با وفاداری جنسی، خانه‌داری، مراقبت از فرزندان، دلسوزی و پاک‌دامنی همبستگی منفی نشان داد [۳۲]. آنچه امروز زنان و دختران به‌شدت نیازمند آن‌اند تأمل در خودشان، ارزش‌ها و آرمان‌ها در زندگی روزمره‌شان و مبارزه با نگرش‌هایی است که حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی را محدود می‌کند [۱۱]. زنان و دختران باید به بازتعریف هویت زنانه خود بپردازند تا بتوانند در عصر مدرنیته هویت زنانه خود را نمایان کنند و در برابر رده‌بندی‌های کلیشه‌ای، که اغلب مبتنی بر معیارهای انتسابی مانند جنسیت و قومیت است، مقاومت کنند، تبعیض جنسیتی را به‌عنوان کهن‌ترین الگوی نابرابری از بین ببرند و این امر می‌تواند از طریق افزایش آگاهی‌های فمینیستی میسر شود [۵].

از محدودیت‌های پژوهش حاضر، انتخاب نمونه دانشجویی در دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار

بود که امکان تعمیم نتایج را به کل زنان و دختران جامعه نمی‌دهد. علاوه بر این، استفاده از روش همبستگی که امکان نتیجه‌گیری علی را فراهم نمی‌کند، محدودیت دیگر پژوهش حاضر است. پیشنهاد می‌شود این مطالعه روی گروه‌های دیگر دختران و زنان در مقاطع مختلف سنی و جوامع دیگر اجرا شود و نتایج آن با یافته‌های این پژوهش مقایسه شود. همچنین، متولیان تعلیم و تربیت، مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند از نتایج این پژوهش در کشف عوامل مؤثر بر خودشی‌انگاری، درونی‌سازی استانداردهای لاغری ایدئال و هویت جنسی زنان و نیز به‌کارگیری راهبردهای مداخله‌ای به منظور کاهش آثار منفی سازه‌های روان‌شناختی ذکر شده استفاده کنند و زمینه نشاط و سلامت روانی بیشتر آنان را فراهم کنند.

### منابع

- [۱] بهشتی، سعید؛ احمدی‌نیا و مریم (۱۳۸۵). «تبیین و بررسی نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی»، دو فصل‌نامه علمی پژوهشی *تربیت اسلامی*، س ۲، ش ۳، ص ۴۱-۸۸.
- [۲] پورعزت، علی‌اصغر؛ خالقی، امیرحسین (۱۳۹۴). «فمینیسم در مطالعات سازمان»، *مجله مدیریت دولتی*، س ۷، ش ۳، ص ۴۳۷-۴۵۸.
- [۳] پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ قدسی، امیر (۱۳۸۹). «نظریه‌های فرهنگی فمینیسم و دلالت‌های آن بر جامعه ایران»، *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، س اول، ش ۳، ص ۱۰۹-۱۳۲.
- [۴] دادستان، پریخ (۱۳۸۲). *روان‌شناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی*، ج اول، تهران: سمت.
- [۵] ذکایی، محمدسعید؛ قاراخانی، معصومه (۱۳۸۶). «دختران جوان و تجربه زنانگی (مطالعه موردی در میان دختران دبیرستانی شهر تهران)»، *فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست*، س ۵، ش اول، ص ۵۹-۸۲.
- [۶] راتوس، اسپنسر (۱۳۷۸). *روان‌شناسی عمومی*، ترجمه حمزه گنجی، تهران: ویرایش.
- [۷] رضایی، مریم؛ افلاک‌سیر، عبدالعزیز و همکاران (۱۳۹۴). «طراحی و آزمون مدلی از متغیرهای درونی‌سازی لاغری، خودشی‌انگاری و نارضایتی بدنی به‌عنوان پیش‌آیندهای خطر اختلالات خوردن در دختران دانشجو»، *مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران*، س ۱۰، ش ۲، ص ۱۱-۱۸.
- [۸] رودگر، نرجس؛ محبی، فاطمه (۱۳۸۸). *تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها و نقد فمینیسم*، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- [۹] ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۹۰). «بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضایت‌مندی از تصویر بدن»، *فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست*، س ۹، ش ۳، ص ۵-۳۳.

- [۱۰] عطارزاده، مجتبی؛ مصفا، نسرین (۱۳۸۴). «جنش زنان ایران؛ از ایستایی تا پویایی»، فصل‌نامه مطالعات زنان، س ۳، ش ۷، ص ۱۰۵-۱۲۸.
- [۱۱] علمی، محمود؛ علیزاده، محمود (۱۳۸۸). «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسی دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز». فصل‌نامه زن و مطالعات خانواده، س اول، ش ۳، ص ۷۵-۹۰.
- [۱۲] علیوردی‌نیا، اکبر؛ رضی، داوود؛ آیینی، صدیقه (۱۳۹۲). «تبیین جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان: آزمون تجربی نظریه‌های منابع در دسترس زنان و فمینیسم رادیکال»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۱۳، ش ۴۹، ص ۸۵-۱۱۵.
- [۱۳] فریدمن، جین (۱۳۸۱). فمینیسم. ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: آشیان.
- [۱۴] ناعمی، علی‌محمد (۱۳۹۵). «رابطه خودشیء‌انگاری با تاب‌آوری و خوددلسوزی دانشجویان دختر (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار)». فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست، س ۱۴، ش ۱، ص ۱۲۵-۱۳۹.
- [۱۵] وینست، آندره (۱۳۷۸). *ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی قرن بیستم*، ترجمه مرتضی ثابت‌فر، تهران: ققنوس.
- [16] American Psychological Association, Task Force on the Sexualization of Girls. (2010). *Report of the APA Task Force on the Sexualization of Girls*. Retrieved from <http://www.apa.org/pi/women/programs/girls/report-full.pdf>.
- [17] Bargad, A., & Hyde, J. S. (1991). "Women's studies: A study of feminist identity development in women", *Psychology of Women Quarterly*, Vol. 15, No. 2, PP 181-201.
- [18] Bem, S. L. (1993). *The lenses of gender* (Vol. 40). New Haven, CT: Yale University Press.
- [19] Brennan, J. (2005). *A selective prevention study: Decreasing body dissatisfaction and eating disorder symptomatology in sorority women using psych education, social norms, and social marketing strategies* (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- [20] Brinkman, B. G., Khan, A., Edner, B., & Rosén, L. A. (2014). "Self-objectification, feminist activism and conformity to feminine norms among female vegetarians, semi-vegetarians, and non-vegetarians", *Eating behaviors*, Vol. 15, No. 1, PP 171-174.
- [21] Calogero, R. M., Tylka, T. L., Donnelly, L. C., McGetrick, A., & Leger, A. M. (2017). "Trappings of femininity: A test of the "beauty as currency" hypothesis in shaping college women's gender activism", *Body Image*, Vol. 21, PP 66-70.
- [22] Cash, T. F. (2011). *Cognitive-behavioral perspectives on body image*. In T. F. Cash & L. Smolak (Eds.), *Body image: A handbook of science, practice, and prevention* (PP 39-47). New York: Guilford Press.



- [23] Coyne, C. A., Demian-Popescu, C., & Friend, D. (2006). "Peer Reviewed: Social and Cultural Factors Influencing Health in Southern West Virginia: A Qualitative Study", *Preventing Chronic Disease*, Vol. 13, No. 4.
- [24] Daniel, S., & Bridges, S. K. (2010). "The drive for muscularity in men: Media influences and objectification theory", *Body Image*, Vol. 7, No. 1, PP 32-38.
- [25] Delmar, R. (1986). *What is Feminism?* New York: Pantheon Books.
- [26] Dohnt, H. K., & Tiggemann, M. (2006). "The contribution of peer and media influences to the development of body satisfaction and self-esteem in young girls: A prospective study", *Developmental Psychology*, No. 42, PP 929-936.
- [27] Feltman, C. E., & Szymanski, D. M. (2018). "Instagram Use and Self-Objectification: The Roles of Internalization, Comparison, Appearance Commentary, and Feminism", *Sex Roles*, PP 1-14.
- [28] Ferrier, A. G., & Martens, M. P. (2008). "Perceived incompetence and disordered eating among college students", *Eating behaviors*, Vol. 19, No. 1, PP 111-119.
- [29] Fredrickson, B. L., & Roberts, T.-A. (1997). "Objectification theory: Toward understanding women's lived experiences and mental health risks", *Psychology of Women Quarterly*, Vol. 21, PP 173-206.
- [30] Grippo, K. P., & Hill, M. S. (2008). "Self-objectification, habitual body monitoring, and body dissatisfaction in older European American women: Exploring age and feminism as moderators", *Body Image*, Vol. 5, No. 2, PP 173-182.
- [31] Harding, S. & Hintikka, M. B. (1983). *Introduction. In S. Harding, & M. B. Hintikka (Eds.) Discovering reality, Feminist Perspectives on Epistemology, Metaphysics, Methodology, and Philosophy of Science (pp. ix-xix)*. Dordrecht, Holland: Kluwer Academic Publishers.
- [32] Iwamoto, D. K., Corbin, W., Takamatsu, S., & Castellanos, J. (2018). "The association between multidimensional feminine forms, binge drinking, and alcohol related problems among young adult college women", *Addictive Behaviors*, Vol. 76, PP 243-249.
- [33] Kinsaul, J. A., Curtin, L., Bazzini, D., & Martz, D. (2014). "Empowerment, feminism, and self-efficacy: Relationships to body image and disordered eating. Body image", Coyne, C. A., Demian-Popescu, C., & Friend, D. (2006). Peer Reviewed: Social and Cultural Factors Influencing Health in Southern West Virginia: A Qualitative Study. *Preventing Chronic Disease*, Vol. 11, No. 1, PP, 63-67.
- [34] Lloyd, G. (2002). *The man of reason: Male and female in western philosophy*, Routledge.
- [35] Lorber, J., & Farrell, S. A. (1991). "Principles of gender construction", *The social construction of gender*, PP 7-11.
- [36] Mahalik, J., Morray, E. B., Coonerty-Femiano, A., Ludlow, L. H.,

- Slattery, S. M., & Smiler, A. (2005). "Development of the Conformity to Feminine Norms Inventory", *Sex Roles*, Vol. 52, PP 417-435.
- [37] Marine, S. B., & Lewis, R. (2014, November). "I'm in this for real": *Revisiting young women's feminist becoming*. In Women's Studies International Forum (Vol. 47, pp. 11-22). Pergamon.
- [38] Miller, J. B. (2012). *Toward a new psychology of women*. Beacon Press.
- [39] Murnen, S. K., & Smolak, L. (2009). "Are feminist women protected from body image problems?", A meta-analytic review of relevant research. *Sex Roles*, Coyne, C. A., Demian-Popescu, C., & Friend, D. (2006). Peer Reviewed: Social and Cultural Factors Influencing Health in Southern West Virginia: A Qualitative Study. *Preventing Chronic Disease*, Vol. 60, No. 34, PP 181-215.
- [40] Palan, K. M. (2001). "Gender identity in consumer behavior research: A literature review and research agenda", *Academy of Marketing Science Review*, Vol. 10, No. 1, PP 1-25.
- [41] Parnt, M. C., Moradi, B. (2001). "An abbreviate tool for assessing feminine conformity: Psychometric Properties of the Conformity to Feminine Norms Inventory", *Psychological Assessment*, Vol. 23, 958-969.
- [42] Piaget, J. (1952). *Play, dreams and imitation in childhood*. New York: W. W. Norton & Company, Inc.
- [43] Ricciardelli, L. A. (2012). "Body Image Development—Adolescent Boys", In, T. Cash, *Encyclopedia of Body Image and Human Appearance*. (PP 180-186)
- [44] Schertzer, S., Laufer, D., Silvera, D. and Brad McBride, J. (2008), "A cross-cultural validation of a gender role identity scale in marketing", *International Marketing Review*, Vol. 25 No. 3, PP 312-323.
- [45] Siegel, J.A. Calogero, R.M. (2019). "Conformity to feminine norms and self-objectification in self-identified feminist and non-feminist women", *Body Image*, Vol. 28, PP 115-118.
- [46] Tong, R. (2009). *Feminist Thought: A Comprehensive Introduction*. 3th Edition ed. Colorado: Westview Press.
- [47] Tylka, T. L., Russell, H. L., & Neal, A. A. (2015). "Self-compassion as a moderator of thinness-related pressures' associations with thin-ideal internalization and dis-ordered eating", *Eating Behaviors*, Vol. 17, PP 23-26.
- [48] Vandenbosch, L., Muise, A., Eggermont, S., & Impett, E.A. (2015). "Sexualizing reality television: Associations with trait and state self-objectification", *Body Image*, Vol. 13, PP 62-66.